

بررسی تأثیرات شکل جغرافیایی استان ایلام بر توسعه نیافتگی آن

زهرا پیشگاهی فرد: دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

بهادر غلامی^۱: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

فاطمه السادات میراحمدی: دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

عبدالکریم ویسی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سعید خلیلی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی توریسم، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

توسعه و ارتقای واحدهای سیاسی تا اندازه‌ی زیادی به نحوه سازماندهی سیاسی فضا و آرایش بهینه سرزمین بستگی دارد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در سازماندهی بهینه فضا شکل‌گزینی مناسب برای واحدهای سیاسی است، چرا که شکل هندسی نقش بسیار مهمی در اداره و توسعه، شکل‌گیری هویت جمعی، مشارکت مردم در امور و تعلق و وابستگی به یک واحد سیاسی دارد. هدف این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، بررسی شکل هندسی استان ایلام و چگونگی تأثیرگذاری آن بر توسعه این استان می‌باشد. داده‌های پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و پیمایشی گردآوری شده است. جامعه آماری مردم و مسئولین ساکن استان ایلام و حجم نمونه ۳۲۱ نفر می‌باشد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از هر دو روش کیفی و کمی (نرم‌افزار Spss و GIS) استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استان ایلام دارای شکلی طولی و کشیده و دارای یک زائده در شمال شرقی است که آن را در زمره شکل‌های دنباله دار قرار داده است. به عبارت دیگر این استان از معایب دو شکل طولی و دنباله‌دار برخوردار می‌باشد. این شکل منحصر به فرد وحدت ساختاری و کارکردی، توسعه متناسب با ظرفیت‌های استان، شکل‌گیری هویت جمعی در میان مردم استان و حس تعلق مردم به استان و در نتیجه مشارکت مردمی جهت توسعه در استان، را با چالش مواجه کرده است.

واژه‌های کلیدی: شکل هندسی، توسعه، سازماندهی سیاسی فضا، شکل طولی، استان ایلام.

^۱ نویسنده مسئول: behadorgholami@ut.ac.ir، ۰۹۱۸۸۴۰۹۳۶۷

بیان مسأله:

همه کشورها برای تسهیل اداره امور داخلی خود به واحدهای سیاسی کوچکتر تقسیم می‌شوند و تنها کوچک‌ترین کشورها از این قاعده مستثنی هستند و بدون تقسیم سیاسی فضا به اداره سرزمین خود می‌پردازند. فضای مکان و ناحیه سیاسی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی آن با سایر نواحی و نیز تعریف و استقرار نهادهای سازمان‌های محلی، مرزهای ناحیه و کانون آن به سازماندهی سیاسی نیاز دارند. سازماندهی سیاسی مکان و ناحیه به منظور تسهیل ارائه خدمات به مردم، دسترسی مردم به کانون ناحیه و مراکز خدمات‌دهی، رضایت شهروندان و ساکنان از شکل و الگوی ناحیه و تعلق و وابستگی به آن، مشارکت مردم در فرایند سیاسی، توسعه پویا، مستمر و پایدار همه جانبه ناحیه، امنیت و آرامش عمومی، وحدت و وفاداری ملی، یکپارچگی و تجانس ساختاری و کارکردی و هم تکمیلی منطقه ای و ملی انجام می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۲). در حقیقت سازماندهی مناسب فضا از اصلی‌ترین عوامل جهت توسعه هر واحد سیاسی به شمار می‌رود چرا که با فراهم سازی شرایط لازم برای مشارکت مردم در سرنوشت خود و بارور سازی پتانسیل‌های درون مکانی زمینه ساز توسعه منطقه ای می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عواملی که در سازماندهی فضا باید رعایت شود، شکل‌گزینی مناسب برای تقسیمات واحدهای سیاسی می‌باشد. چرا که شکل هندسی سهم بسزائی در سرنوشت واحدهای سیاسی دارد و دارای نقش بسیار مهمی در اداره و توسعه آنها می‌باشد. اکثر کشورهای جهان از اشکال فشرده (دایره‌ای، مربع، مستطیل نزدیک به مربع و ...) جهت سازماندهی فضای خود استفاده می‌کنند و از استفاده از اشکال طولی و زائده‌دار خودداری می‌کنند زیرا که این گونه اشکال روند توسعه و اداره امور را با مشکل مواجه می‌سازند. اما در ایران این امر در سازماندهی برخی واحدهای سیاسی به درستی بکار برده نشده است. در این بین استان ایلام که در جنوب غربی ایران واقع شده دارای شکل طولی و دنباله دار می‌باشد. این شکل نامناسب باعث شده تا علیرغم دارا بودن منابع عظیم طبیعی (نفت، گاز و ...) و صرف بودجه‌های کلان جهت توسعه، روند توسعه در استان از رشد مناسبی برخوردار نباشد و استان ایلام جزء محروم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌رود. از سوی دیگر شکل طولی و دنباله دار ایلام بر روابط مناطق مختلف استان تأثیر گذاشته است و مانع بزرگی در شکل‌گیری هویت جمعی، احساس تعلق به استان و پیوند اقتصادی- اجتماعی شهرستانهای استان با هم شده است که در نهایت توسعه استان را با چالش مواجه می‌سازد. از این رو این نوشتار به بررسی و تحلیل این مسئله می‌پردازد که شکل هندسی استان ایلام چگونه بر روند توسعه این استان و عدم شکل‌گیری هویت جمعی در استان و حس تعلق مردم به استان تأثیر گذاشته است.

پیشینه تحقیق:

سید عباس احمدی و زهرا احمدی پور در مقاله ای با عنوان «نقش تقسیمات کشوری در توسعه مناطق با تأکید بر کاهش رقابت‌های مکانی»، به بررسی تأثیر سازماندهی سیاسی- فضایی متناسب بر افزایش سطح توسعه یافتگی مناطق پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که: نظام فعلی تقسیمات کشوری ایران باعث افزایش سطوح تقسیمات و کوچک‌شدن بیش از حد واحدها شده و نیاز به افزایش کارکنان دولت و رشد بودجه ملی را بوجود آورده است. همچنین سازماندهی نامناسب فضا، توسعه مناطق را مختل کرده و سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها را کاهش داده است. جواد اطاعت و سیده زهرا موسوی در مقاله ای با عنوان «تقسیمات کشوری و توسعه پایدار (مطالعه موردی؛ ایران)» به ارزیابی این فرضیه پرداخته‌اند که نظام تقسیمات کشوری کنونی در تحقق بخشیدن به توسعه پایدار ناموفق بوده است. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که نظام تقسیمات کشوری کنونی نه تنها در دستیابی به توسعه پایدار موفق نبوده بلکه خود مانعی بر سر راه توسعه محسوب می‌گردد. زهرا احمدی پور و همکاران در پژوهشی با عنوان «نقش نظام تقسیمات کشوری در عدم توسعه ملی به ویژه در دهه‌های اخیر پرداخته‌اند. نتایج تحقیق ایشان تحلیل و بررسی نقش نظام تقسیمات کشوری در عدم توسعه ملی به ویژه در دهه‌های اخیر پرداخته‌اند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که نظام تقسیمات کشوری کنونی مانعی در برابر توسعه ملی است و تداوم نظام تقسیمات کشوری کنونی موجب قطعه قطعه شدن ناکارآمد سرزمین به واحدهای کوچکتر سیاسی، افزایش سطوح سلسله مراتبی، بزرگ شدن تشکیلات اداری، افزایش تعداد کارکنان دولت، مصرف بخش عمده ای از منابع درآمدی دولت در بخش جاری خواهد شد.

مفاهیم و مبانی نظری:

توسعه: توسعه مفهومی برای بیان مضامینی عمیق است که در طول تاریخ تحت عناوین دیگری دنبال می‌شد و فطرت کمال جوی انسان همواره در هر سطح و مرحله و مقطعی از تکامل فکری و اجتماعی و تاریخی خود و بر اساس سطح ادراک و شناخت و مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی خویش به نوعی آن را تعریف، تنظیم و دنبال کرده است (مؤتقی، ۱۳۸۳: ۲۲۵). در آغاز، توسعه بر حسب رشد اقتصادی تعریف می‌شد و افزایش متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، درآمد و مانند آن نشانه توسعه یافتگی جوامع بشمار می‌آمد (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۱).

در دهه ۱۹۶۰ شناسایی توسعه با رشد اقتصادی مورد انتقاد شدید قرار گرفت. نویسندگانی مانند دادلی سیرز، گونار میردال، پل استرتن و مؤسساتی مانند سازمان بین‌المللی کار بیان نمودند که کشورهای در حال توسعه با وجود اینکه دارای اقلام بالای رشد اقتصادی هستند اما تغییر چندانی در شرایط توده‌های فقیر رخ نداده در نتیجه توسعه تنها رشد اقتصادی نبوده و تغییر در ساختارهای اقتصادی می‌باشد. دادلی سیرز فرمولی سه وجهی برای اصلاح توسعه بیان نمود که عبارت است از: کاهش فقر و سوء تغذیه، کاهش نابرابری درآمد و بهبود وضعیت اشتغال. در واقع مفهوم توسعه بیش از تغییرات صرف در شاخص‌های اقتصادی است. در بحث از مسائل توسعه، دو روش کلی را می‌توان مشخص کرد: ۱- مبارزه با فقر؛ این روش بر مشکلات فقر، گرسنگی و فلاکت کشورهای در حال توسعه و به منظور تحقق بخشیدن بهبود وضعیت در کوتاه مدت متمرکز می‌باشد. ۲- تجزیه و تحلیل بلند مدت توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ این رویکرد متمرکز بر مقایسه توسعه در کشورها، مناطق و دوره‌های مختلف به منظور به دست آوردن درک بهتر از عواملی است که در بلند مدت بر دینامیک توسعه اقتصادی- اجتماعی مؤثر می‌باشند (Szirmai, 2005: 1-7). با گذشت زمان و افزایش اختلاف بین رفاه نسبی جوامع گوناگون در داخل یک کشور و بین کشورهای مختلف، موضوع توزیع عادلانه و کاهش فقر و بر خورداری اکثریت مردم از مواهب توسعه مطرح شد. این تغییر نگرش توجه به ابعاد اجتماعی توسعه و به دنبال آن، ویژگی‌های قومی و فرهنگی عواملی را مطرح ساخت که بر اساس تجارب کشورهای غربی موانع توسعه بشمار می‌آمدند. تسلط نگرش تک خطی و تکاملی به موضوع توسعه باعث شد تا برای دستیابی جوامع توسعه نیافته به توسعه، الگوهای از پیش تعیین شده غربی مورد تقلید قرار گیرند. البته ناتوانی این الگوها در نیل کشورها به توسعه مفروض بعد ها به اثبات رسید (تقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸۱).

بدین ترتیب مفهوم توسعه در فرایند زمانی؛ همواره به سوی جامع شدن، چند بعدی نگری، در بر گرفتن شرایط و عوامل ساختاری و مردمی تر شدن حرکت کرده است. اگر در آغاز نگرش توسعه بیشتر سخت افزاری بود ولی امروزه بررسی فاکتورهای توزیعی، بیانگر توجه بیشتر توسعه نسبت به برابری در توزیع ثمرات رشد اقتصادی و اهمیت بیشتر قائل شدن به جنبه‌های نرم افزاری یا هنجاری- رفتاری توسعه است (اکبرپورسراسکانرود و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۸). توسعه برای تحول انسان است و خود هدف نیست، بلکه ابزاری است تا انسان را متناسب با مکانی که در آن زیست می‌کند به جایگاه و موقعیت شایسته‌ای برساند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۴۱). در مجموع توسعه باید جامع، یکپارچه و چند بعدی باشد و در بعد فرهنگی، در بعد سیاسی آزادی و در بعد اقتصادی عدالت، همراه با تولید اندیشه، قدرت و ثروت و در پیوند و تعامل موزون و هماهنگ با یکدیگر و در روابط و مناسبات اجتماعی عادلانه، محورهای اصلی توسعه را تشکیل می‌دهند (مؤتقی، ۱۳۸۳: ۲۵۰).

سازماندهی سیاسی فضا: سازماندهی سیاسی فضا عبارت از فرایندی است که طی آن بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازماندهی می‌شود. مهم‌ترین اهداف انجام این فرایند، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمینی است. این فرایند برای حکومت‌ها از ضروریات و عنصری حیاتی در تفویض اختیارات از مرکز به سایر نقاط سرزمین و اداره بهتر محدوده کشور است که انجام آن بسته به نوع نظام سیاسی حاکم، متفاوت است؛ یعنی هر یک از نظام‌های سیاسی متمرکز، فدرال و ناحیه‌ای سازماندهی سیاسی فضایی خاص خود را دارند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۸). ضرورت سازماندهی درون یک قلمرو جغرافیایی از نگاه جان آر شورت اینگونه بیان شده است: «اکثر دولت‌ها به تعداد واحدهای مشخص و جداگانه‌ای تقسیم شده‌اند. چگونگی این تقسیم‌بندی‌ها عمدتاً ناشی از ساختار اجرائی، سیاسی و یا سوابق تاریخی آنها می‌باشد. به این عوامل می‌توان توانمندی‌های ویژه تأثیرگذار در

بدست آوردن قابلیت‌ها، برای دنبال نمودن اهداف را نیز اضافه نمود. میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل می‌تواند در چگونگی این تقسیم‌بندی‌ها مؤثر واقع شود (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲).

در سطح ملی سازماندهی سیاسی فضا، گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و فضایی با تقسیم‌بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۴). به بیان دیگر تقسیمات کشوری نوعی سازماندهی برای تسهیل اعمال حاکمیت دولت هاست (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۶). در واقع تقسیمات کشوری به معنای مدیریت سرزمین است و این تقسیمات از آن رو صورت می‌گیرد که دولت در حالی که حاکمیت خود را در دورترین نقاط کشور اعمال می‌کند، بتواند خدمات لازم را به سهولت در اختیار همگان قرار بدهد. در واقع تقسیمات کشوری تسهیل کننده حاکمیت ملی است و مدیریت سرزمین را حتی در دورترین نقاط کشور ممکن می‌کند. اگر این تقسیمات به طور کارآمد طراحی شده باشند، می‌تواند پایه‌های حاکمیت دولت را در کلیه نقاط کشور نیرومند سازد (احمدی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۷۹). هدف اصلی تقسیم کشور به واحدهای همگن؛ رشد هماهنگ، اداره قلمرو ملی و عرضه خدمات بهتر است که منجر به امنیت، وحدت و مشارکت ملی می‌شود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۸)، در واقع هدف نظام تقسیمات کشوری، تقسیم سرزمین به واحدها یا اجزای کوچکتر به منظور اداره آسان‌تر سرزمین از ابعاد مختلف مدیریتی، امنیتی، برنامه‌ای و توسعه‌ای است (ودیدی، ۱۳۵۴: ۱۹۹).

شکل: شکل توصیف هندسی بخشی از فضای اشغال شده توسط جسم است که بوسیله مرزهای خارجی، موقعیت و جهت فضا، اندازه و دیگر خصوصیات تعیین می‌شود (<http://www.answers.com/topic/shape>) در واقع شکل بطور ویژه‌ای فضای محصور شده است که مرزهای آن بوسیله عناصر دیگر تعریف می‌شوند.

(http://arthistory.about.com/cs/glossaries/g/s_shape.htm). در مورد شکل واحدهای سیاسی مهم‌ترین تأثیر شکل هندسی، در نحوه اعمال قدرت حکومت مرکزی بر پهنه کشور است (عزتی، ۱۳۸۵: ۹۰)، چرا که شکل فضایی یک حکومت قادر است تا بر چشم انداز وحدت آن کشور اثر گذارد (بدیدی، ۱۳۷۳: ۱۶). مرزهای یک کشور و شکل سرزمینی آن می‌تواند نقش مهمی در ایجاد مشکلات و یا اتحاد یک ملت ایفا کند. در این بین می‌توان شکل بسیاری از کشورها را به ۵ دسته اصلی فشرده، پاره پاره، طویل، دنباله دار و محیطی یا منگنه‌ای (<http://geography.about.com>)، به شرح زیر تقسیم نمود:

فشرده یا دایره‌ای: کشورهای هستند که فاصله بین مرکز جغرافیایی کشور با مناطق پیرامون آن، در تمام جهات تقریباً یکسان و یکنواخت است (عزتی، ۱۳۸۵: ۹۱). حالت فشرده ساده‌ترین راه برای مدیریت است.

پاره پاره: کشورهایی هستند که دارای بخش‌های انفرادی و مجزایی هستند که توسط خاک کشور دیگر و یا آبهای بین‌المللی از هم جدا شده‌اند، که این چند پاره شدن خاک، تبعات خاصی را به وجود می‌آورد (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۸۸).

طویل: کشورهایی هستند که درازای آنها تقریباً چند برابر متوسط عرض آنها باشد. کشورهای طویل دارای مشکلات زیادی هستند، چرا که امکان وجود مناطق مختلف جغرافیایی و گروه‌های مختلف فرهنگی زیاد است. بعلاوه در کشورهای طویل ایجاد یک شبکه منظم راه‌های ارتباطی به آسانی امکان پذیر نیست (میرحیدر، ۱۳۷۸: ۸۶).

منگنه‌ای یا محیطی: کشورهایی هستند که همه و یا بخشی از یک کشور دیگر را در خاک خود جای داده‌اند (عزتی، ۱۳۸۵: ۹۱).

دنباله‌دار: کشورهایی هستند که با وجود اینکه بخش اعظم خاک آنها به شکل فشرده دیده می‌شود، وجود یک زائده به صورت شبه جزیره یا دالان که از بدنه اصلی دور شده و توسط خاک کشورهای همسایه محصور شده است، شکل خاصی به آن می‌دهد (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۸۶).

روش تحقیق:

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. شیوه گردآوری اطلاعات مورد نیاز به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی (با استفاده از ابزار پرسشنامه) بوده است. در راستای موضوع مورد بحث و متناسب با هدف تحقیق دو نوع پرسشنامه برای مردم و مسئولین تدوین شد. پس از بررسی، اجرای پیش‌آزمون، و انجام اصلاحات بر

اساس نظرات اساتید و کارشناسان و در نتیجه دستیابی به روایی، پرسشنامه‌های نهایی تهیه شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از معیار آلفای کرونباخ استفاده شده است که میزان آن ۰/۷۲ بوده است. جامعه آماری در این پژوهش ساکنان استان ایلام می باشد. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی، نمونه ای به حجم ۳۲۱ نفر بر اساس فرمول کوکران تعیین شد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{557599} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (\% 70 \times \% 30)}{0/0025}}{1 + \frac{1}{557599} \left(\frac{(1/96)^2 \times (\% 70 \times \% 30)}{0/0025} - 1 \right)} = 321$$

در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از هر دو روش کیفی و کمی (نرم افزار Spss و GIS) استفاده شده است.

یافته های تحقیق:

نگاهی به ویژگی‌های محدوده مطالعه :

استان ایلام با مساحتی حدود ۲۰۱۳۳ کیلومتر مربع، حدود ۱/۲ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل می دهد. این استان در غرب سلسله جبال زاگرس، از جنوب با خوزستان، از شرق با لرستان و از شمال با کرمانشاه همسایه بوده و از سمت غرب دارای ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق است. بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ جمعیت استان ایلام ۵۵۷۵۹۹ بوده است که کم جمعیت ترین استان کشور بشمار می رود. این استان در منطقه‌ای کوهستانی در حاشیه جنوب غربی رشته جبال زاگرس قرار گرفته است و قسمت زیادی از مساحت استان را مناطق کوهستانی و یا تپه‌های ماهور تشکیل می‌دهد که با شیب‌های تندی به دشت‌های کم ارتفاع منتهی می‌شوند.



شکل ۱- نقشه موقعیت سیاسی- جغرافیایی استان ایلام

تاریخچه استان ایلام در تقسیمات کشوری:

بر اساس تقسیمات کشوری ایران در زمان مشروطه، ایلام زیر مجموعه ایالت پشتکوه و لرستان بوده است. در تقسیمات کشوری دوره پهلوی که در سال ۱۳۱۶ به تصویب مجلس ملی رسید ایلام یکی از ۱۶ شهرستان استان پنجم محسوب شد

(افشارسیستانی، ۱۳۷۲: ۲۸۸-۲۸). چون شهرستان ایلام با ۹ بخش تابعه منطقه وسیعی را شامل می‌شد که دارای موقعیت جغرافیایی خاص و مرزی بود، و رسیدگی به امور این منطقه‌ای بزرگ از عهده‌ی یک فرماندار خارج بود، در نتیجه ایجاب می‌نمود که واحد مستقلی تشکیل شود. بنابراین ایلام با بخش‌های تابعه و سه بخش موسیان، ایوان و دره شهر که از شهرستان‌های دشت میشان، خرم آباد و شاه‌آباد منتزع شدند به فرمانداری کل ارتق پیدا کرد (یعقوبی، ۱۳۹۰: ۷۷-۷۶). در ۱۷ فروردین ۱۳۵۳ فرمانداری کل ایلام به استان ایلام و پشتکوه تبدیل شد.

بررسی درجه توسعه یافتگی استان ایلام:

ایلام استانی کوچک در غرب کشور با ۲۰۱۵۰ کیلومتر مربع وسعت است و ۱/۲ درصد مساحت کشور را در بر می‌گیرد. ایلام در سال ۱۳۵۳ به عنوان یک استان جدید موقعیت خود را در تقسیمات سیاسی کشور تثبیت نمود. پیکره محیط طبیعی ایلام بجز بخش کوچکی در جنوب شدیداً ناهموار و کوهستانی است. این استان تا سالیان متمادی از حوزه برنامه‌ریزی‌های ملی و برنامه‌های عمرانی به دور مانده و در یک موقعیت حاشیه‌ای نسبت به مقر حکومت و مراکز قدرت و تصمیم‌گیری قرار داشته است، ولی از دهه چهل، به دلایل نظامی، اداری و سیاسی مورد توجه دولت قرار گرفته است. با این وجود روند توسعه این استان به دلیل حاشیه‌ای بودن با کندی صورت گرفته و علی‌رغم برخورداری از منابع عظیم طبیعی توجه زیادی به آن نشده است، بطوری‌که هم‌اکنون یکی از استان‌های محروم کشور بشمار می‌رود. در ذیل به برخی از پژوهش‌های علمی و نتایج آنها که توسط محققان دانشگاهی در مورد سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور انجام شده است، اشاره می‌شود:

* در پژوهشی که توسط دکتر اصغر ضرابی با عنوان «تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران» در سال ۱۳۸۹ انجام شده است، استان ایلام، جز مناطق محروم و با امتیاز ۲/۲۷- در رده ۲۷ قرار گرفته است.

* در پژوهشی که توسط دکتر صیدایی و همکاران ایشان با عنوان «دیباجه‌ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران» در سال ۱۳۸۸ انجام شده است، استان ایلام در زمره مناطق خیلی محروم قرار گرفته است.

* در پژوهشی که توسط احمد فیروزآبادی و همکاران تحت عنوان «مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی» انجام شده است، استان ایلام از نظر توسعه اجتماعی در رتبه ۲۸ قرار داشته است.

شکل هندسی استان ایلام:

هاگت و چارلی در سال ۱۹۶۹ فرمول شاخص شکل^۱ را برای تشخیص دوری و نزدیکی شکل یک واحد سیاسی به دایره پیشنهاد کردند.

$$\text{شاخص شکل} = \frac{1/27A}{L^2}$$

$$\text{شاخص شکل ایران} = \frac{1/27 * 20150}{275^2} = .345$$

نتیجه حاصل نشان می‌دهد که شکل هندسی استان ایلام به صفر نزدیکتر است و دارای شکلی طولیل و کشیده می‌باشد. علاوه بر این دارای یک زائده در شمال شرقی می‌باشد که آن را در زمره استان‌های دنباله دار قرار داده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

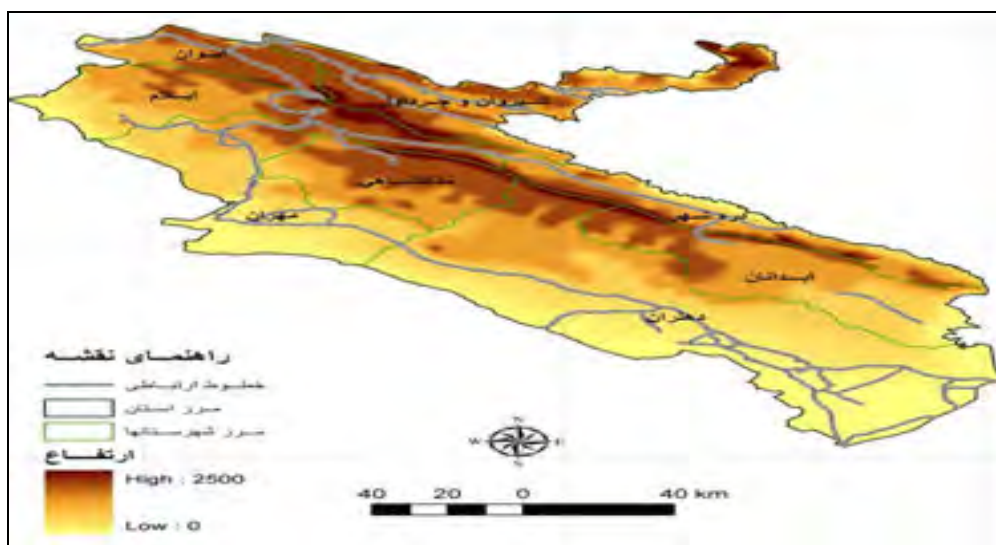
همان‌طور که نتایج بررسی‌های انجام شده توسط متخصصین نشان می‌دهد استان ایلام علی‌رغم اینکه از منابع طبیعی عظیمی برخوردار است اما جزء مناطق بسیار محروم و توسعه نیافته کشور بشمار می‌رود. دلایل زیادی در عدم توسعه این استان نقش دارند که در این پژوهش تأثیرات شکل هندسی استان بر عدم توسعه آن مورد بررسی قرار گرفت. می‌توان گفت شکل هندسی استان ایلام از طریق عوامل زیر بر روند توسعه استان تأثیر منفی داشته است:

عدم ایجاد شبکه منظم راه‌های ارتباطی:

در دنیای امروزی ارتباط جاده‌ای مهم‌ترین و درخور توجه‌ترین راه ارتباطی جهت توسعه و پیشرفت است و هر ناحیه‌ای که دارای شبکه ارتباطی منظمی باشد از توسعه در ابعاد گوناگون نیز برخوردار خواهد بود. در واحدهای سیاسی که دارای شکل

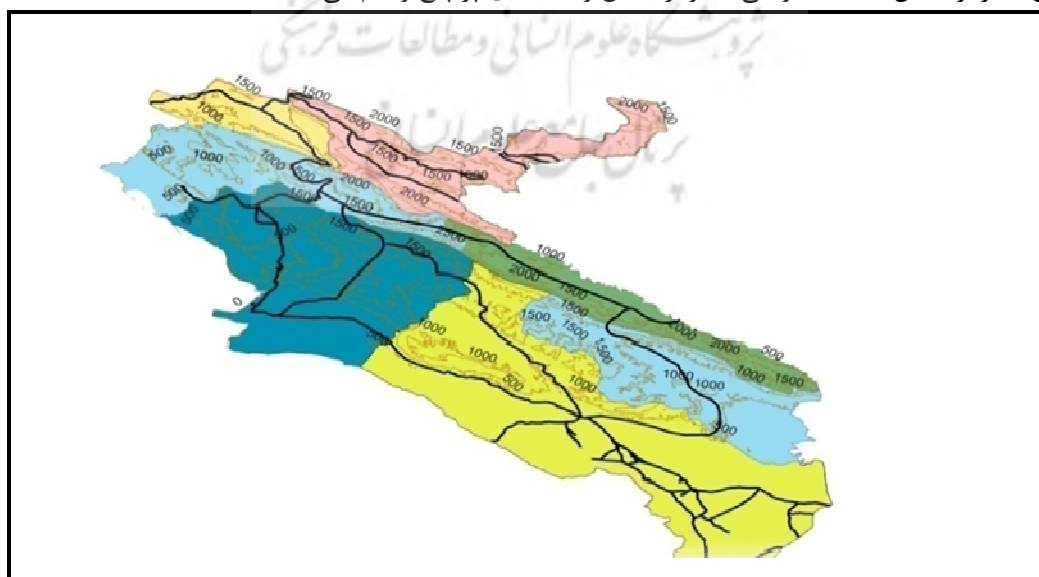
^۱ - در این فرمول A مساحت واحد سیاسی به کیلومتر مربع و L طول بزرگترین محور کشور به کیلومتر است. در این فرمول ۱ برای دایره کامل و صفر برای یک خط کامل است. در نتیجه هر چه عدد حاصله به یک نزدیک باشد شکل به دایره نزدیکتر و هر چه به صفر نزدیک باشد به خط نزدیکتر است.

طویل می‌باشند ایجاد یک سیستم پیشرفته ارتباطی و حمل و نقل بسیار مشکل می‌باشد، که این امر در مورد استان ایلام مصداق دارد.



شکل ۲- نقشه توپوگرافی و خطوط ارتباطی استان ایلام - تهیه و ترسیم: از نگارندگان

ساختار فضایی شبکه ارتباطی در کشور و تقسیمات سیاسی آن، شعاعی و به مرکزیت واحدهای سیاسی است و تمامی بخش‌های یک ناحیه سیاسی باید به مرکز سیاسی آن ناحیه متصل شوند. ایلام در جنوب غربی کشور موازی با رشته کوه زاگرس قرار گرفته است و به دلیل شکل هندسی طویل، کوهستانی بودن و قرار گرفتن مرکز سیاسی استان ایلام در شمال آن امکان شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی منظم بوجود نیامده است. در نتیجه جاده‌ها صعب العبور، پر پیچ و خم و دارای کیفیت پایین هستند که ارتباط بسیاری از شهرها را دچار مشکل می‌کند. مانند جاده‌های زرین‌آباد- دهلران، آبدانان- دره شهر و مورموری، ایلام- هلیلان، سرابله- هلیلان، ایلام- دره شهر، ایلام- دهلران، ایلام- مهران، ایلام- آبدانان و نبود جاده‌های ارتباطی مناسب باعث شده تا ارتباط سایر شهرستان‌ها با مرکز استان به سختی صورت گیرد. نتایج بررسی‌های میدانی (پرسشنامه‌ای) از ساکنان شهرستان‌های استان ایلام نیز بیانگر آن است که یکی از علل اصلی ارتباط کمتر ساکنان شهرستان-های استان با مرکز استان مسافت طولانی تا مرکز استان و جاده‌های پر پیچ و خم می‌باشد.

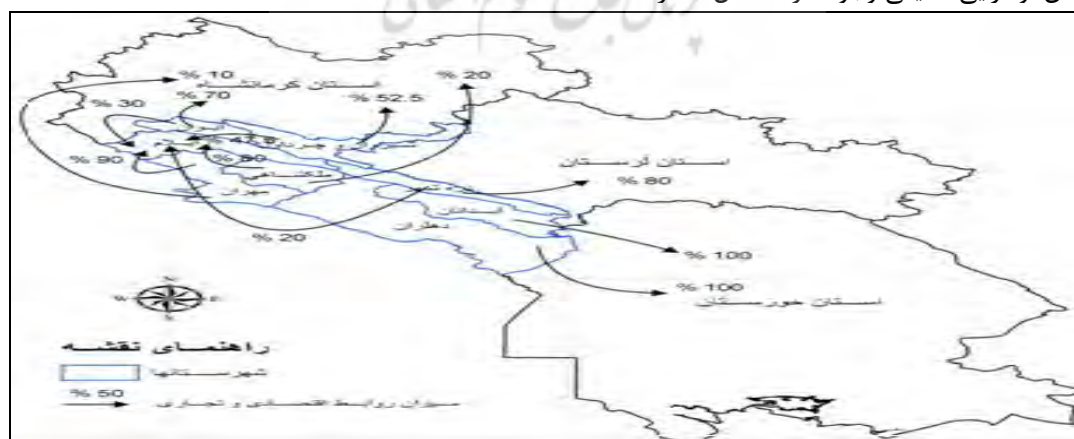


شکل ۳- نقشه خطوط ارتباطی استان ایلام به همراه میزان ارتفاع نواحی استان - تهیه و ترسیم: از نگارندگان

می‌توان گفت راه‌های ارتباطی نامناسب، مؤثرترین نقش در توسعه نیافتگی استان بویژه در جنوب استان دارند. سه شهرستان دهلران، آبدانان و دره شهر به دلیل عدم وجود راه‌های ارتباطی مناسب همچنان در انزوا به سر می‌برند و همین امر موجب شده که پتانسیل‌های این سه شهرستان همچنان مغفول بماند. شکل طویل و دنباله‌دار نه تنها اجازه ایجاد شبکه ارتباطی منظم را نمی‌دهد بلکه هزینه‌های مالی زیادی را نیز در بر دارد. هزینه‌های راهسازی در استان بسیار بالاست بطوری‌که در استان ایلام هزینه یک کیلومتر راهسازی بطور میانگین حدود ۱/۵ میلیارد تومان می‌باشد که چند برابر بسیاری از استان‌های کشور می‌باشد. سالانه جدا از بودجه‌های ملی بیش از ۲۰ درصد از بودجه استان به بخش راهسازی و حمل و نقل اختصاص داده می‌شود. این هزینه‌ها تمام شدنی نیستند چرا که راه‌های ارتباطی استان نامناسب می‌باشند و با توجه پیشرفت و توسعه در امر راهسازی و وسایل مورد نیاز آن روز به روز شاهد بهسازی‌ها، واریانت‌ها و احداث جاده‌ها و تونل‌های جدید می‌باشیم. هر ساله تونل‌ها، پل‌ها و واریانت‌های زیادی جهت عبور از گردنه‌های صعب‌العبور و حذف نقاط حادثه خیز استان احداث و اجرا می‌شوند. که در این بین بحث واریانت‌ها قابل تامل است. واریانت به معنای تغییر نقشه مسیر راه و کوتاه کردن مسیرهای ارتباطی با احداث راه‌های جدید می‌باشد. هزینه هر کیلومتر راهسازی در استان حدود ۱/۵ میلیارد و هر کیلومتر تونل ۴ میلیارد تومان می‌باشد. بنابراین واریانت‌ها هر چند که برای ایجاد یک شبکه ارتباطی مناسب در استان احداث می‌شوند اما هزینه‌های زیادی را سالانه به استان تحمیل می‌کنند. این چند باره‌کاری را به بهترین نحو ممکن می‌توان در مسیر ایلام- ایوان مشاهده کرد.

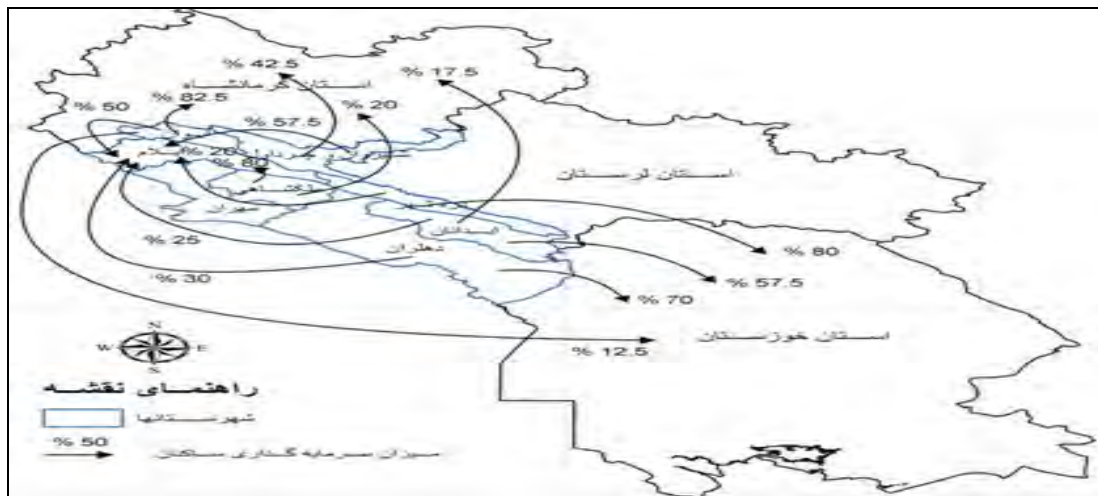
عدم شکل‌گیری یک قطب رشد و مرکز اقتصادی فعال:

در یک واحد سیاسی شکل‌گیری یک مرکز و قطب رشد فعال که به عنوان محل مرکزی فعالیت‌های اقتصادی بشمار رود، برای دستیابی به توسعه لازم و ضروری می‌باشد. شکل هندسی طویل و دنباله دار و موقعیت کوهستانی استان ایلام شکل‌گیری یک قطب رشد و مرکز فعال را با چالش مواجه کرده است، چرا که امکان تعیین یک مرکز هندسی و در نتیجه واقع شدن مرکز سیاسی در آن، وجود ندارد. در واقع یک مرکز- پیرامون فعال از نظر اقتصادی- فرهنگی در استان ایلام شکل نگرفته است. برای شکل‌گیری یک قطب رشد و مرکز فعال در استان نیاز به همگرایی شهرستان‌های پیرامون نسبت به مرکز است تا انباشت سرمایه در مرکز و در نتیجه رشد اقتصادی آن صورت گیرد. اما انباشت سرمایه ناشی از حرکت سرمایه‌ها از سوی پیرامون در استان محقق نشده است و حرکت سرمایه‌ها و روابط اقتصادی- تجاری شهرستان‌ها به سمت استان‌های همجوار است. نتایج حاصل از بررسی‌های میدانی انجام شده در زمینه روابط اقتصادی، تجاری، خرید و فروش کالا و مواد مورد نیاز، محصولات کشاورزی و دامداری، تولیدات صنعتی و .. ساکنان شهرستان‌های استان نشان می‌دهد که روابط اقتصادی و تجاری آنها بیشتر با استان‌های همجوار می‌باشد. علاوه بر این حرکت سرمایه‌ها و تمایل برای سرمایه‌گذاری به میزان زیادی نگاه به بیرون داشته و این امر بیشتر به سمت استان‌های همجوار بوده است. در نتیجه به جای همگرایی روابط اقتصادی و حرکت سرمایه‌ها به سمت مرکز استان، واگرایی عمیقی وجود دارد (شکل شماره ۴).



شکل ۴- نقشه سنجش روابط اقتصادی و تجاری ساکنان شهرستان‌های استان ایلام (به درصد) تهیه و ترسیم: از نگارندگان

این واقعیت متأثر از شکل هندسی طویل، دنباله دار و نامناسب استان می‌باشد. مسئولین و کارشناسان استان نیز واگرایی ساکنان شهرستان‌های استان نسبت به یکدیگر و مرکز استان، عدم توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و عدم شکل‌گیری یک قطب رشد و مرکز اقتصادی فعال را ناشی از شکل هندسی استان دانسته‌اند (شکل شماره ۵ و جدول شماره ۱).



شکل ۵- نقشه سنجش حرکت سرمایه‌های ساکنان شهرستان‌ها در استان ایلام به درصد تهیه و ترسیم: از نگارندگان

جدول ۱- نظر مسئولین در زمینه ارتباط شکل هندسی استان ایلام و عدم شکل‌گیری قطب رشد

مؤلفه	بلی	خیر
عدم شکل‌گیری یک قطب رشد و مرکز اقتصادی فعال متأثر از شکل هندسی استان ایلام می‌باشد.	*	-
آیا واگرایی بسیاری از مکانهای استان نسبت به مرکز استان و همگرایی بیشتر آنها با استان‌های همجوار ناشی از شکل هندسی آن می‌باشد	*	-
آیا شکل طویل و دنباله دار استان در عدم توسعه زیرساخت‌های استان مؤثر بوده است.	*	-

عدم شکل‌گیری حس تعلق در استان:

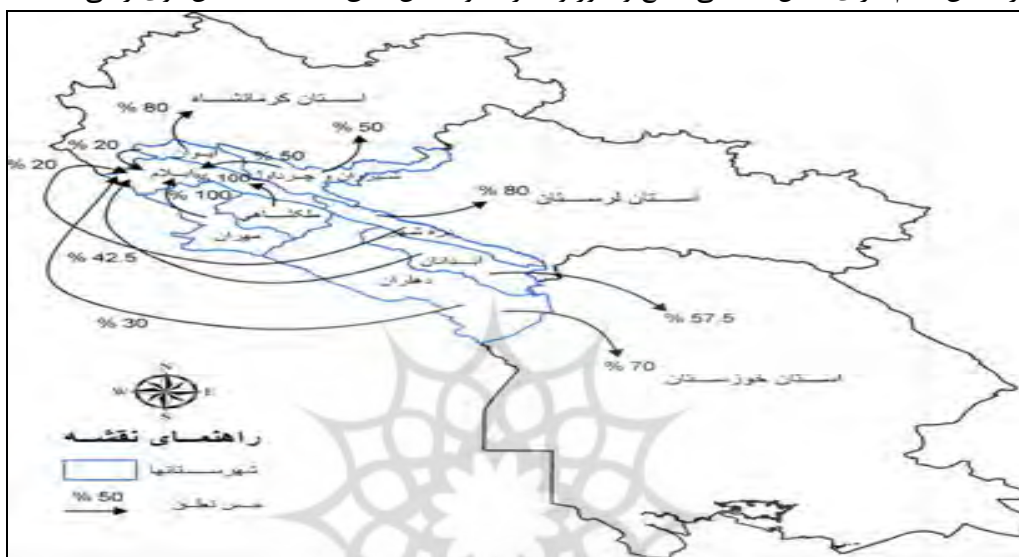
حس تعلق که بیانگر نوعی ارتباط عمیق و پیوندی محکم بین فرد با محیط زندگی وی است؛ یکی از عوامل مهم در ایجاد محیط‌های با کیفیت بالا و در نتیجه توسعه فضاهای جغرافیایی می‌باشد. اما این امر در بین ساکنان استان در سطح پایینی قرار دارد. نتایج بررسی‌های میدانی صورت گرفته نشان می‌دهد که اکثر ساکنان استان به قرارگیری مکان زندگی خود در استان‌های همجوار تمایل دارند و نسبت به مرکز استان احساس جدایی می‌کنند. سنجش حس تعلق مردم نشان دهنده این واقعیت است که کمتر از ۶۰ درصد ساکنان استان ایلام به استان حس تعلق دارند و در این زمینه نیز شاهد واگرایی می‌باشیم.

جدول ۲- بررسی حس تعلق ساکنان شهرستان‌های استان ایلام (به درصد)

نام شهرستان	استان ایلام	استان کرمانشاه	استان خوزستان	استان لرستان
آبدانان	۴۲/۵	-	۵۷/۵	-
ایلام	۱۰۰	-	-	-
ایوان	۲۰	۸۰	-	-
دهلران	۳۰	-	۷۰	-
دره شهر	۲۰	-	-	۸۰
شیروان چرداول	۵۰	۵۰	-	-
مهران	۱۰۰	-	-	-
ملکشاهی	۱۰۰	-	-	-
کل استان ایلام	۵۷/۸	۱۵/۹	۱۵/۹	۱۰/۳

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

همانطور که جدول شماره ۲ و شکل شماره ۶ نشان می‌دهد تنها ۵۷/۸ درصد از جمعیت استان به استان ایلام حس تعلق دارند. از بین ۸ شهرستان استان حس تعلق ساکنان ۴ شهرستان آبدانان، ایوان، دهلران و دره شهر نسبت به شهرستان‌های همجوار بیشتر، در شهرستان شیروان چرداول بین کرمانشاه و ایلام مساوی و در بین سه شهرستان ایلام، مهران و ملکشاهی نسبت به ایلام می‌باشد. این در حالی است که اگر شهرستان‌های مهران و ملکشاهی با استان‌های دیگری از کشور همجوار بود احتمال اینکه حس تعلق آنها نیز به سمت آن استان‌ها سوق می‌یافت، بیشتر بود. عدم حس تعلق در بین اکثر ساکنان شهرستان‌های ایلام نسب به استان به دلیل شکل هندسی طویل و دنباله دار آن و در نتیجه عدم شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی منظم و مناسب و همگرایی شهرستان‌های استان نسبت به هم و مرکز استان می‌باشد. مسئولین استان نیز اذعان دارند که اگر استان ایلام دارای شکل هندسی جمع و جور و فشرده بود حس تعلق نسبت به استان قوی‌تر می‌شد.



شکل ۶- نقشه بررسی حس تعلق ساکنان شهرستان‌های استان ایلام (به درصد) - تهیه و ترسیم: از نگارندگان

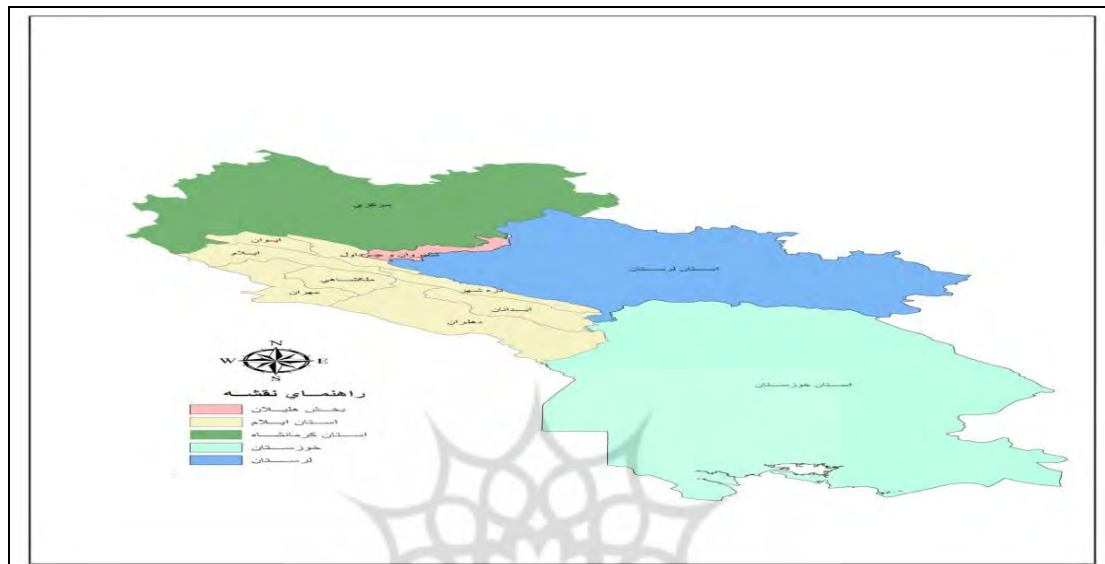
ایل‌گرایی و عدم شکل‌گیری هویت جمعی (استانی):

در استان ایلام یک هویت جمعی شکل نگرفته است؛ چرا که شکل هندسی استان با ممانعت از شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی منظم و یک قطب رشد فعال، منجر به واگرایی در بین مناطق استان شده است و در نتیجه حس تعلق مردم به استان بسیار پایین می‌باشد. البته در این مورد تنوع قومی و فرهنگی ساکنان استان نیز مؤثر است. ایل‌گرایی و فرهنگ قبیله‌ای در استان بشدت رشد کرده است به گونه‌ای که وضعیت استان ایلام از این نظر در کشور منحصر به فرد است. هر کدام از ایلات بزرگ استان در یکی از شهرستان‌ها ساکن هستند؛ به عنوان مثال در شهرستان ایلام ایلات ارکوازی، دهبالایی و ... در شهرستان شیروان چرداول ایلات خزل، لک و ... در شهرستان ایوان ایل کلهر، در شهرستان ملکشاهی ایل ملکشاهی، در شهرستان مهران ایل شوهان و ملکشاهی و ... هر یک از این ایلات تعلق خاطر خود را به هویت محلی ابراز می‌نمایند. در بعد سیاسی قرینگی روابط بین برخی از ایل‌ها بطور متقابل ضعیف است. از جمله ارکوازی با میش خاص، ملکشاهی با عالی بیگی، شوهان با میشخاص، دهبالایی با میشخاص، خزل با دهبالایی و ارکوازی با خزل (توسلی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۶). هنوز هم افراد هویت خود را بر اساس همان قوم یا گروهی که به آن تعلق دارند می‌شناسند. مسئله قوم‌گرایی علاوه بر برخی مزایا آسیب‌های خاص خود را نیز دارد. توجه زیاد به هویت قومی خود و داشتن قوم‌گرایی افراطی نتایج نامطلوبی در بردارد؛ چرا که افراد قوم گرا در هر شرایطی گروه خود را نسبت به دیگر گروه‌ها برتر می‌دانند. عامل ایل‌گرایی یکی از موانع اصلی توسعه بشمار می‌رود چرا که در استان تغییر و تحولات مدیریتی، اشتغال و ... بر مبنای صلاحیت و تخصص افراد صورت نمی‌گیرد و مبنای ایلی دارد. این امر بویژه در زمینه انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا بیشتر نمایان است. مهم‌ترین انگیزه اعضای ایلات جهت شرکت در انتخابات تعصبات قومی و قبیله‌ای می‌باشد. تعصبات قبیله‌ای در استان ایلام مختص طبقه

خاصی از مردم نیست و با افزایش آگاهی و سطح تحصيلات از میزان آن کاسته نمی‌شود بلکه بین افزایش سطح سواد و تعصبات قومی و قبیله‌ای رابطه مستقیم وجود دارد.

قسمت دنباله دار استان ایلام (بخش هلیلان):

هلیلان دشتی است کم وسعت ولی حاصلخیز که در بین سه استان کرمانشاه، لرستان و ایلام قرار گرفته است. قسمت شرقی این بخش یعنی دهستان سرسبز زردلان در دل رشته کوه‌های بزرگ کرمانشاه و لرستان و قسمت جنوبی و غربی آن در دل کوه‌های بزرگ استان قرار گرفته است. این بخش از توابع شهرستان شیروان چرداول می‌باشد (شکل شماره ۷).



شکل ۷- نقشه موقعیت جغرافیایی بخش هلیلان - تهیه و ترسیم: از نگارندگان

با توجه به سرشماری‌های صورت گرفته در سال ۱۳۸۵ کل جمعیت این بخش ۱۶۲۵۰ نفر بوده است که در حال حاضر جمعیت آن به حدود ۱۸۰۰۰ نفر رسیده است. این بخش دارای یک شهر به نام توحید، دو دهستان هلیلان و زردلان است و شغل اصلی و اساسی مردم این بخش کشاورزی و دامپروری است. بخش هلیلان با وجود رودخانه سیمره، خاک حاصلخیز، منابع طبیعی عظیم و ... در مقایسه یا سایر نقاط استان ایلام (که خود استان محروم کشور لقب گرفته است) از سطح توسعه بسیار پایینی برخوردار است. جاده‌های آن دارای کیفیت خیلی پایینی می‌باشند و از بسیاری از امکانات و خدمات رفاهی محروم است. هر چند که در سال‌های اخیر اکثر راه‌های ارتباطی این بخش آسفالت شده است و فقط روستاهای کم جمعیت دهستان زردلان فاقد برق و آب شرب می‌باشند، اما علی‌رغم برخورداری از منابع این بخش همچنان از عدم توسعه رنج می‌برد که این امر ناشی از شکل هندسی استان و قرارگیری این بخش در دنباله استان می‌باشد که بصورت باریکه‌ای در بین سه استان ایلام، کرمانشاه و لرستان قرار گرفته است. در واقع علت متصل بودن این بخش به استان ایلام مجهول می‌باشد. با بررسی‌های میدانی صورت گرفته مشخص شد ساکنان این بخش دسترسی بهتر و نزدیکتری به استان کرمانشاه و لرستان دارند و از نظر قومی و فرهنگی با آنجا تناسب دارند، در نتیجه روابط اقتصادی-تجاری، حس تعلق و .. ساکنان آن بیشتر به این استان‌ها بخصوص کرمانشاه می‌باشد (جدول شماره ۳).

جدول ۳- بررسی مؤلفه های اقتصادی، فرهنگی و .. بخش هیلان به درصد

مؤلفه ها	توضیحات
مراودات فرهنگی- اجتماعی و ارتباطات قومی	۸۰ کرمانشاه (۸۰) ایلام (۱۰) لرستان (۱۰)
روابط اقتصادی و تجاری	۱۰۰ درصد با استان کرمانشاه
مسافرت به سایر استان ها مانند تهران و	۱۰۰ درصد از طریق کرمانشاه
تمایل برای قرارگیری مکان زندگی در استان های همجوار	تمایل ۹۰ درصد پاسخ دهندگان
حس تعلق	۸۰ کرمانشاه (۸۰) ایلام (۱۰) لرستان (۱۰)
احساس جدایی از استان	۱۰۰ درصد احساس جدایی از استان
خدمات بهداشتی	۸۰ کرمانشاه (۸۰) ایلام (۱۰) لرستان (۱۰)
سرمایه گذاری	کرمانشاه (۸۰) - ایلام (۲۰)

منبع، یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۰.

در نهایت باید گفت استان ایلام از منابع طبیعی و انسانی سرشاری برخوردار است و سازماندهی متناسب فضای این استان می-تواند موجب بارور شدن پتانسیل های این استان شود.

نتیجه گیری:

توسعه و ارتقای واحدهای سیاسی تا اندازه زیادی به نحوه سازماندهی سیاسی فضا و آرایش یابی بهینه سرزمین بستگی دارد. مؤلفه های زیادی در این امر دخیل است که یکی از مهم ترین آنها شکل‌گزینی مناسب برای تقسیمات واحدهای سیاسی است، زیرا شکل هندسی سهم بسزائی در اداره بهینه و توسعه واحدهای سیاسی دارد. استان ایلام با وجود دارا بودن منابع عظیم طبیعی مانند نفت، گاز، معادن مختلف و با توجه به جمعیت خیلی کم آن جزء محروم ترین استان های کشور بشمار می‌رود. دلایل مختلفی در این امر دخیل می‌باشند که در این پژوهش به نقش شکل هندسی در عدم توسعه استان ایلام پرداخته شد. استان ایلام از معایب دو شکل طویل و دنباله دار برخوردار است. همان طور که گذشت این شکل منحصر به فرد در عدم توسعه استان سهم بسزایی دارد. مهم ترین تأثیرات شکل هندسی استان بر عدم توسعه آن عبارت است از عدم ایجاد وحدت ساختاری و کارکردی در استان؛ ممانعت از شکل‌گیری یک شبکه منظم ارتباطی در استان؛ حرکت سرمایه ها و روابط اقتصادی اکثر شهرستان های استان به سمت استان های مجاور و در نتیجه واگرایی شهرستان های استان نسبت به هم و نسبت به مرکز استان؛ عدم انباشت سرمایه در استان و شکل نگرفتن یک قطب رشد فعال در استان؛ نبود حس تعلق در میان مردم نسبت به استان و شکل نگرفتن یک هویت جمعی در استان و تقویت هویت محلی (هویت ایلی) و در نتیجه عدم مشارکت مردم در توسعه استان. بنابراین می‌توان گفت سازماندهی متناسب فضای این استان که از قابلیت های طبیعی و انسانی بیشماری برخوردار است می‌تواند روند توسعه و پیشرفت استان را سرعت ببخشد.

منابع:

۱. احمدی پور، زهرا و قنبری، عزیز الله و محمد رضا حافظ نیا (۱۳۸۹): «تأثیر الگوی تقسیمات کشوری بر توسعه فضای جغرافیایی (مورد مطالعه: استان زنجان)»، مدرس علوم انسانی- برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره ۴، زمستان، تهران، صص ۶۱-۳۹.
۲. احمدی پور، زهرا و میثم میرزایی تبار (۱۳۸۹): «نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲، تهران، صص ۱۵-۱.
۳. احمدی پور، زهرا (۱۳۷۹): «تقسیمات کشوری و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، سخنرانی علمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷ و ۸، تهران، صص ۲۸۲-۲۷۹.
۴. اطاعت، جواد و زهرا موسوی (۱۳۸۷): «تقسیمات کشوری و توسعه پایدار (مطالعه موردی: ایران)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم، پاییز و زمستان، تهران.

۵. احمدی، سید عباس و زهرا احمدی پور (۱۳۸۲): «نقش تقسیمات کشوری در توسعه مناطق با تأکید بر کاهش رقابت های مکانی» سیاست های توسعه سیاسی، جلد دوم مجموعه مقالات همایش سیاست ها و مدیریت، تهران، صص ۴۷-۲۱.
۶. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۲): ایلام و تمدن دیرینه آن، جلد اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۷. اکبریور سراسکانرود، محمد اسماعیل و نجفی (۱۳۸۹): «مفهوم توسعه پایدار در محیط های روستایی حوزه کلانشهرها (مطالعه موردی کلانشهر تهران)»، مسکن و محیط روستا، دوره دوم، تهران، صص ۶۴-۷۹.
۸. توسلی، غلامعباس و یارمحمد قاسمی (۱۳۸۱): «مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی (نمونه مطالعه: ایلام)»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴، تهران، صص ۲۵-۲.
۹. تقی زاده، فاطمه (۱۳۸۷): «توسعه پایدار، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی»، سازمان شهرداری ها، تهران.
۱۰. حافظ نیا، محمد رضا و محمد قمصری، حمید احمدی و حسین حسینی (۱۳۸۹): «قومیت و سازماندهی سیاسی فضا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲، تهران، صص ۲۳-۵.
۱۱. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۱): جغرافیای سیاسی ایران، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. حافظ نیا، محمد رضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۵): افق های جدید در جغرافیای سیاسی، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
۱۳. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۹): مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، تهران.
۱۴. سالنامه آماری استان ایلام ۱۳۸۹ (۱۳۹۰): مرکز آمار ایران، تهران.
۱۵. شیرانی، حسین (۱۳۸۲): ساماندهی مکان، آذرخش، جلد اول، تهران.
۱۶. ضرابی، اصغر و احمد شاهپوندی (تابستان ۱۳۸۹): «تحلیلی بر پراکندگی شاخص های توسعه اقتصادی در استان های ایران»، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۱، شماره ۲، اصفهان، صص ۳۲-۱۷.
۱۷. صیدیایی، سید اسکندر و محمد علی احمدی و حسین معین آبادی (پاییز ۱۳۸۸): «دیباچه ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مولفه های توسعه اجتماعی در ایران»، راهبرد یاس، شماره ۱۹، تهران، صص ۲۲۵-۱۸۸.
۱۸. عزتی، عزت الله (۱۳۸۵): ژئوپلیتیک، چاپ ششم، انتشارات سمت، تهران.
۱۹. فیروز آبادی، احمد و رسول حسینی و روح الله قاسمی (۱۳۸۹): «مطالعه شاخص ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷، تهران، صص ۹۳-۵۷.
۲۰. کوچکی، رشید (۱۳۸۷): از هگمتانه تا شوش؛ تحقیق پیرامون تاریخ، فرهنگ، ادبیات و موسیقی در قوم کهن لک از عصر حجر تا کنون، نشر افلاک، ایلام.
۲۱. میرحیدر، دره (۱۳۸۱): «بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه ای و امکان سنجی آن در ایران»، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۲، بهار، تهران، صص ۶۴-۴۹.
۲۲. میرحیدر، دره (۱۳۷۳): مبانی جغرافیای سیاسی، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
۲۳. میرحیدر، دره (۱۳۷۸): اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، جلد، انتشارات پیام نور، چاپ سوم، تهران.
۲۴. ودیعی، کاظم (۱۳۵۴): مقدمه ای بر جغرافیای انسانی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۵. یعقوبی، علی و کریم یعقوبی (۱۳۹۰): ایلام دوره پهلوی؛ از سقوط نظام والیگری تا سقوط سلسله پهلوی (۱۳۰۷ ش. ۱۳۵۷ ش.)، جلد اول، انتشارات جوهر حیات، ایلام.

26. Bull, Anna dento, (2003): Collective Identities: From the Politics of Inclusion to the Politics of Ethnicity and Difference, The Global Review of Ethnopolitics, Vol. 2.

27. Szirmai, Adam, (2005): the Dynamics of Socio-Economic Development: An Introduction, Cambridge University Press.

28. 27-<http://geography.about.com/cs/politicalgeog/a/shapestate.htm>.

29. 28-http://www.bluesky-int.com/view_world_article.php?id=172.

30. 29-<http://www.answers.com/topic/shap>.